

دیاران: الکاظم سالیہ عابد یہ ماں سھرداں



د مر جوړ مولانا «سعید افغانی»

لیکنو ګئه ګوانتنامې مقالې
Ketabton.com

۱۳۹۵

داروا بند دوکتور «سعید افغانی» د مرینی دشپرم تلين په مناسبت
د اسلامی شوونو او او قافو وزارت
کابل ۱۳۶۹ هجری شمسی

www.masjed.se

فهرست مطالب

عنوان

- 1 - سریزه
- 2 - تذکر مختصری درباره شخصیت مرحوم الحاج دوکتور محمد سعید «سعید افغانی»
- 3 - آثار و تألیفات دوکتور «سعید افغانی»
- 4 - داسلام په رنیاکي د دندو پیژندل
- 5 - حس خیر
- 6 - دعشق او محبت دین
- 7 - فساد او تباہی
- 8 - اسلام څه شی دی؟
- 9 - اسلام او نوی علوم
- 10 - حساسی او مثالی هڅي او هیلې
- 11 - دانبیاو او رسولانو اهداف څه وو؟
- 12 - دآسمانی ادیانو پرله پسی راتنه

سريزه:

مرحوم مولانا دوكتور محمد سعيد (سعید افغانی) دهیواد زیات شمیر عالمان، پوهان، لیکوالان، استدان، زده کوونکی او نور ملی او نورتول شخصیتونه بنه پیژنی. دی کوچنی وه لوی شو، او بالاخره سپین برترتبه ورسید خود هیواد والو او اسلام سپیخلي دین په لاره کي له هلو ئلو او مبارزو خخه يې د یو ستز پراخ ور اندي ليک سره، د کورنی او نړبوالي تجربې سره د ژوند په هیڅ پراو کي لاس وانه خیست. ده دخپل ژوند زیاته برخه په کتاب، مقالو لیکلو، وعظ او ارشاد تبره کره او پدي لاره کي يې زیات افتخارات لاسته راړل. دی دهر ډول ظلم، تیریو، ګواښ او نور و تولنیز و نیمګر تیاو په برخه کي هېڅکله هم چپ پاتي نه شو. خپلو دوستانو او د تولنی نور مخکنن يې د راتلونکي خطراتو او د غلط قدم د اخیستو په صورت کي دافغان ملت او ولس د خطراتو ته د موافقه کيدو په صورت کي په مستندو دلایلو او تفاصيلو انظار او خبرداري ورکاه. ده دفلسفې او الهیاتو په برخه کي خپله دوکتورا د مصر د الاژه شریف له پوهنتونه ترلاسه کره، بنه مې په یاد دي چي د 1369 هجري شمسی کال د کب دمیاشتی او مه نیټه چي د مرحومي د مریني د ورځي سره مصادفه ده ده د خپل وروستي اثر او لیکنی پروف پخپل قلم په داسي حال کي چي کښاستي هم نه شو په ملاستي باندي اصلاح کول، لا د کتاب پروف يې تراخره نه وه رسولي چي د مرگ سلګي يې پیل او دنیوي ژوندانه سره يې وداع وکره او حق ته يې خان وسپاره «انا الله وانا اليه راجعون». دا چي دی یودیني عالم وه نو مورهم دده دلوی دریاب خخه یو خو خاځکي راواخیستل. هیله لرو چي ددينې عالمانو اود نورو تولو لوستونکو تنه پري یو څه ماته شي. په دی لنډه رساله کي دده په ژوندانه باندي دهیواد مشهور او پیژنډل شوي عالم مرحوم مولوی محمد هاشم کامه وال یوڅه لنډه لیکنه کريده. بیا دافغانستان جمهوریت د عالمانو او روحانیونو دعالی شوراء لوی رئيس الحاج مولوی غلام سرور منظور دده په چاپ شوو آثارو یوه لنډه تبصره کريده او وروسته د شؤون اسلامی د نشراتو او تبلیغاتو ریاست د مرحوم هغه لیکنی خخه چي لاتر او سه نه دي چاپ شو یوی، خو مقالې غوره کريدي چي دادی دیوی کوچنی رسالې په ترڅ کي تاسو ګرانو لوستونکو ته ور اندي کيري.

وماتوفيقی الا بالله

محمد رحیم «یوسفی»

د افغانستان د وزارت شؤون اسلامی د نشراتو او تبلیغاتو رئيس

بسم الله الرحمن الرحيم

تذکر مختصر درباره شخصیت

مرحوم الحاج دوکتور محمد سعید (سعید افغانی)

مولوی محمد سعید صاحب که پسر ارشد جناب مولانا علامه عبدالمجید مشهور به خطیب مولوی صاحب (خطیب مسجد جامع شهر تیگری مرکز ولایت لغمان) که فعلاً به شهر مهرلام شهرت یافته، میباشد.

تعلیمات ابتدایی از نظم و نثر دری و مبادی فقه، عبادات، صرف و نحو و رساله های علم منطق را از والد امجد خود تحصیل کرده بودند. در ملیت پشتون به شاخه عمرزائی از قبیله وقوم مشهور صافی - پشتون انتساب داشتند. تحصیلات رسمی را در مدرسه عالی دار العلوم عربی کابل به انجام رسانیدند.

بنده در سال 1328 - 1329 هـ، ش. که محصل مدرسه قضات عدیه و بعداً مدرس آن مدرسه بودم با شخص محترم مولوی صاحب محمد سعید آشنا، دوست و هم مسلک گردیدم. جناب شان بعد از فراغت در همان مدرسه در دارالعلوم عربی استاد مقرر شدند. در آنوقت استاد شدن در مدرسه دارالعلوم جهت بدیهی عالم بودن شخص بشمار می رفت. استادان بزرگ مرحوم این مدرسه شخصیت های برازنده علمی، جامع علوم منقول و معقول بودند که نظیر و مثل آنها کنون در حجاب شد و نوندرت است. فارغ التحصیل این مدرسه را مولوی خطاب میکردند و می گفتند. لهذا در مقدم اسم نامی دوکتور صاحب کلمه مولوی را نوشته ام. بعداً جناب شان به حیث مدیر مدرسه دارالعلوم نجم المدارس ولایت ننگرهار که در قریب جوار مرقد مبارک علامه نجم الدین مشهور به صاحب هده، شیخ طریقہ قادریه در قریه هده در جنوب شهر جلال آباد (مرکز ولایت ننگرهار) موقعیت داشت، مقرر گردیدند که بعداً تبدیلا به حیث عضو مسلکی ریاست تدریسات ثانوی مرکز وزارت معارف مقرر شدند درین مرحله در عین حال در لیسہ عالی استقلال وظیفه تعلیمی نیز داشتند. درین مدت بنده نیز به حیث معلم مضامین عربی و دینی در لیسہ استقلال کابل مصروف وظیفه تدریس بودم. درین مدت طبعاً در هنگام فراغت و تفریح به ملاقات همیگر و احیاناً مباحثه علمی کیفیت مسرت آمیز را حاصل می نمودیم. مرحوم باردیگر به حیث مدیر مدرسه نجم المدارس مقرر گردیدند.

در همین دوره ثانی چنان اتفاق افتاد که ماه مبارک رمضان رسید و پادشاه وقت در جلال آباد بودند و در مسکن شاه با غ کوکب سرشنی ختم قرآن کریم در اثنای نماز تراویح که در مذهب حنفی عبادت های مسنونه است، گرفته شده بود. بعضی از علمای مشهور ننگرهار دعوت شده بودند در آن ختم قرآن کریم اشتراک ورزند. مدیر صاحب نجم المدارس مولوی محمد سعید افغانی با چند نفر استادان مدرسه نیز در آن ختم شرکت کرده بودند. در شب

اخیر ختم طوریکه تعامل است سخنرانی های اجتماعی و موعظه دینی ایراد میگردد و مولوی صاحب محمد سعید سعیدافغانی صاحب فرصت راغنیمت دانسته بحضور پادشاه آیه قرآن کریم راتلاوت، ترجمه و تفسیر نمودند. از اثر درد دل که با امور وطن و بهبود آن برای بهبود اهل وطن داشتند به جرئت حق گوئی ضمناً خطاب به پادشاه گفت: اگر چه در قانون اساسی ذکر گردیده پادشاه شخصاً واجب الاحترام و غیر مسؤول اند آیا شما فرمانی را صادر کرده اید و از علماء و خطبا خواهش کرده اید که به یادداشت کلمه بندۀ خدا (ج) در خطبه بشما دعوا بکنند و بندۀ طبعاً شرعاً به نزد خالق رب العالمین مسؤولیت داشته می باشد بلکه در ذهنیت عامه کافه ملت و رعیت نیز مسؤولیتی دارید. خواهش میکنم شخصاً نیز قبول زحمت فرموده به امور اداره عامه وطن توجه داشته باشید، جلو خود سریهای بعضی مامورین بزرگ را گرفته باشید.

فردای آن مولوی صاحب را وزارت معارف خواسته و به حیث معلم مکتب ابتدائی در شهر کابل مقرر شدند.

مولوی صاحب به صبر و استقامت ازین امر اطاعت کردن و کوشیدند تا شرایطی مهیا شود و برای تحصیلات عالی به پوهنتون از هر شریف به کشور جمهوری عربی مصر - قاهره اعزام شوند که به مقتضی آیه کریمه «**عسی ان تکرھوا شیاً و هو خیر لكم**» بالآخره این آرزو بر آورده شد و به قاهره جهت تحصیلات عالی به پوهنتون از هر شریف اعزام شدند.

در پوهنتون از هر شریف سوابق و اسناد تحصیلی علمی مولوی صاحب که عبارت از شهادتname دارالعلوم عربی آن وقت کابل بود ملاحظه نمودند این شهادتname بر اسمای کتب از علوم و فنون عقلی و نقلی مشتمل قرار ذیل بود.

صنف پنجم :

- 1- شرح ملا عبد الرحمن جامی بر متن کافیه ابن حاجب در علم نحو،
- 2- کنز اخیر از بیع تا فرایض - در علم فقه - معاملات،
- 3- بدیع المیزان - رساله علم منطق ارسسطو،
- 4- رساله جذری در علم تجوید،
- 5- قصیده برده در علم ادب و نعت آن حضرت صلی الله علیه وسلم،

صنف ششم :

- 1- شافیه ابن حاجب در علم صرف و خط،
- 2- قطبی علم منطق،
- 3- نور لانوار علم اصول فقه،
- 4- سبعه معلقه از ادب،
- 5- شرح نخبته الفلر از اصول،

صنف هفتم:

- 1- هدایه اول تا کتاب وقف از فقه شریف،

- 2- جامی از اوصول فقه،
- 3- سلم العلوم و میرزا هد قطبیه از علم منطق،
- 4- مقامات حریری از ادب،

صنف هشتم:

- 1 - مبیدی شرح هدایتہ الحکمت از فلسفه طبیعی والهی،
- 2 - مختصر المعانی شرح تلخیص المفتاح از معانی و بیان و بدیع،
- 3 - تحریر اقليوس، هندسه،
- 4 - میرزا هد ملا جلال، منطق،
- 5 - جلالین شریف، تفسیر مختصر،
- 6 - دیوان متبنی، درادب،

صنف نهم:

فقه کامل معاملات،
علم حدیث،
علم کلام و عقاید خیالی حاشیه آن،

- 1 - هدایه اخیر از بیع تا و صا یا
- 2 - مشکوه شریف
- 3 - شرح عقاید نفی و

صنف دهم:

علم حدیث،
معانی،
شرح حصه تصدیقات سلم العلوم،
علم ریاضی و هیئت،

- 1 - جامع صحیح ترمذی و جامع الداود
- 2 - مطول تفتذ انی
- 3 - حمد الله
- 4 - تصریح الافلاک

صنف یازدهم:

شرح حصه تصویرات سلم العلوم،
علم ریاضی و هیئت،
علم حدیث،
تفسیر،

- 1- قاضی مبارک
- 2- شرح چغمینی
- 3- صحیح مسلم شریف
- 4- مدارک التنزیل
- 5- مسلم الثبوت
- 6- اصول فقه

7- تاریخ الخلفا از علامه جلال الدین سبوطی،

صنف دوازدهم:

علم تفسیر،
علم حدیث،
اصول فقه،

- 1- بیماری
- 2- صحیح بخاری کامل
- 3- تلویح و تو صیح
- 4- میرزا هد بر امور عامه از شرح موافق علم کلام و عقاید.

شاید بعضی از کتب را فراموش کرده باشم به هر حال به ملاحظه این سند عالی و مهم علمی طوریکه از زبان فصیح البيان مولوی صاحب شنیده ام، هیت تدریسی و ممتحنه پوهنتون از هر فرمودند که شما نصاب تعليمی مرادف پوهنتون از هر را تحصیل کرده اید اما ما امتحان می گیریم ، بعد از موفقیت در امتحان گفتند که محاوره و مذاکره به لسان عربی وارد نمی باشید شمارا در صنف سوم فاکولته شرعیات پوهنتون از هر شریف به کمال رضایت و استحسان قبول داریم بعد از آن موفق شد که درجه دوکتور را حاصل نمود. مقصد فیض تحصیل نصاب تعليمی دارالعلوم آن وقت برایش رسید ، شاید ببعضی افراد دیگر از محصلین افغانی فارغ التحصیل دارالعلوم کابل نیز این رویه در پوهنتون از هر شده باشد در ستیز دوکورای آن مرحوم کتاب «شیخ عبد الله الھروی الانصاری الافغانی» وارایه به عربی بعد از تتبع مطالعات که در اطراف شیخ الاسلام هرایتی نوشته بودند و لقب



فوتو هذا از محصلین افغانی جامعه الاذهر مصر میباشد که در (روز شنبه 17 سپتامبر سال 1966 در تر میں میدان هوایی قاهرہ کشور مصر) اخذ شده است. از چپ به راست (قطار ایستاده) استاد شهید برهان الدین ربائی ، استاد جوهر صدیقی ، استاد حبیب الرحمن جدیر ، مرحوم دکتور محمد سعید سعید افغانی (پدر بزرگوارم) ، استاد مرحوم وفی الله خان سمیعی ، استاد حبیب الله غالب ، دکتر سید جان بیان قطار نشسته ؛ از چپ به راست

استاد عبد الحکیم خان ، استاد نعمت الله شهرانی ، استاد محمد اکبر ضیائی ، استاد عبد الرشید ملاخیل ، استاد مرحوم محمد صدیق سیلانی ، استاد دکتر احمد خطیبی ، استاد یاقوت ؛ استاد محمد حبیب سراج و استاد عبد الجیلی یوسفی.

علمی دوکتور راکسب کردند که از آن بعد به دوکتور محمد سعید افغانی یاد می شد. هنوز به مصر تشریف نه برده در کابل در مدرسه دارالعلوم مدرس بودند که در ان هنگام یکی از علمای کشور مؤرخین ایران به کابل تشریف آورده بودند و به سعید نفیسی شهرت داشتند مولوی صاحب ازینکه نام شان سعید بود خودرا تخلص سعید افغانی اختیار کردند من در یک ملاقات برایش گفتم چه خوش است که اگر ایران سعید نفیسی دارند افغانستان هم سعید افغانی را بروز داد. به تسم گفت خداوند توفیق خدمت علمی بدنه که به مردم خویش خدمت کرده بتوانیم.

جناب شان باداشتن چنان سرمایه هنگفت علمی و ذوق مطالعه خصوصاً درباره افکار و تالیفات شیخ عبدالله الانصاری شکی نه مانده است که دست طولانی در معلومات عرفانی و تصوف پیدا کردن و موجب وسعت افق نظر علمی گردیده و گاهی در ضمن مقاله ها به تداوی درد های اهل وطن به تذکر از مطالب صوفیانه عالمانه و عاملانه می پرداخت. بعد از عودت به وطن عزیز باو جود آنکه معقول و مناسب به صاحبان قدرت اداری وقت خصوصاً معارف و پوهنتون آن وقت بود که از دفاتر علمی دوکتور صاحب در فاکولته شرعیات استفاده کنند اما به دارالمعلمین عالی مقرر شد جناب شان کتابی در سوانح علامه سید جمال الدین افغانی نیز تألیف کرده اند. آقای سید مرحوم مایه افتخار علمی افغانی و پیشوای نصیحت آزادی بخش عالم شرق و اسلام بود. طبعاً قسمتی از خصائص نیک علمی او در مغز بیدار دوکتور صاحب جا گرفته بود. خدمت قلمی علمی خود به ترتیبی و کیفی که میدانست و می پسندید نقش قدم علامه سید افغانی را تعقیب می کرد کسیکه می فهمید می فهمید ورنه ... جناب دوکتور را در دوره جمهوریت محمد داوود که دوکتور عبدالمجید وزیر عدليه و متصدی اداره قضا بودند و دوکتور صاحب را از سابقه داری زمان وزیر معارف بودنش معرفت داشت به عضو شورای عالی قضا مقرر کردند که در عین حال تنظیم اداره محکمة عالی محکمه قضات را به صداقت و امانت بدست داشت و از توجه به حقایق و آثار عاطفه بشری که خاصیت طبیعی اش بود با متمهیین قضایا صرف مطابق قانون معمول رفتار کرده می شد.

بنده به حیث رئیس دیوان حقوق عامه در محکمه عالی استیناف مرکز و در عین حال رئیس دیوان محکمه مراجعه مماثل تجاری و استیناف مماثل جزائی نیز بودم. روزی به معیت محترم محمد انور واحدی رئیس عمومی استیناف مرکز بمنظور تقدیم استهدا در یک موضوع حقوق عامه به شورای عالی قضا رفته بودم شورای عالی دایر شد ریاست آنرا محترم دوکتور عبدالمجید وزیر عدليه تنظیم می کرد. ارکین شورای عالی حضور بهم رسانیده بودند بعضی از رؤسای دوائر قضا نیز حضور داشتند البته به اجازه وزیر صاحب می آمدند. قبل از آنکه پیشنهادیه موضوع حقوق عامه را تقدیم مجلس کنیم روی یک موضوع دیگر آغاز گردید رئیس ریاست محکمه ابتدائیه مامورین (عبدالله حاتم) استمدا کرده بود که یک نفر تحولیدار مستخدم هتل متهم بوده که بوتل الکھل دار رائف نموده و خارنوال در دعوی خویش از او مطالبه جبران خساره الكل کرده والكل نظر به مقررات شرعی و

فقهی، قیمت ندارد. تملیک آن ممنوع است وزیر صاحب تمام مجلدات قانون مدنی را که تازه نافذ شده بود مطالبه کرد ولی از ملاحظه آن حل مطلب کرده نشد. یکنفر از اعضای مجلس که عضو اصلی شورای عالی نبود گفت مال دولت تلف شده متهم به جبران خساره محکوم شود دوکتور صاحب در برابر او گفت که حکم شریعت و مذهب دارایی خساره دولت متروک العمل کرده نه می توانیم روی این مباحثه صدای های جانبین بلند تر گردید آن یکی شیدا ترصیب گفته طبیعت وزیر صاحب بود و دوکتور صاحب علاقه تحکم حکم مذهبی و شرعی داشت. درینصورت حکم جبران خساره خمر ضایع شده گویا بالای آن متهم فروخته شده نلقی می شد (کتاب هدایه اخیر جلد ۳) راملاحظه کردند از الفاظ شرح هدایه تحت عنوان بیع فاسد صفحه ۴۵ بکمال وضوح ثابت شد که نظر یه دوکتور صاحب موافق فقه حنفی بوده و به حکم قانون تعاملی در موضوعی که حکم قانون وضعی واضع نباشد از هدایت اصول کلی فقه اسلامی خصوصاً حنفی استفاده بعمل می آید، محکمه به آن تمسک کند، اما نفر دیگر به حاشیه ۵ در صفحه ۴۵ نظر انداخته که در آن نوشته بود خمر مال است مطلاقاً عند البعض ای اهل الذمته وخارج سطور حاشیه این صفحه ۸ کلمه هم نوشته بود که (ای عندنا ايضاً) حواله به رمز حرف کاف که کتاب کافیه از آن مراد باشد نوشته بود باز هم دوکتور صاحب به عین الفاظ هدایه تمسک کرده گفته اورا ثر دید می کرد. اینجا یک رمز علمی است که در اصطلاحات رسم المفتی ذکر است. مسایل متذکره در متون و باز در شروح اهمیت قابل ترجیح بودن برای عملی شدن دارد و مسایل حواشی در درجه سوم است.

یعنی دوکتور صاحب به این قاعده افتاده متوجه بود. تغیرات در رنگ به دلالت خشم الوده پیدا کرد. جناب وزیر صاحب طرفداری نفر مستشار عنده خود را کرده به دوکتور صاحب گفت بحث را خاتمه بدھید شما گذاره نه میکنید. در این مرحله من گفتم که محکمه در صدور حکم از مائعتات الكلی هیچ تذکری را ندهد و بوتل هائیکه از شیشه بوده و مال دولت است ضیاع آنرا فقط مدنظر گرفته متهم را تعزیراً به جریمه نقدي و قیمت بوتل ها محکوم کنند.

دوکتور صاحب بخود تکلفاً فرصت پیدا کرد و کتاب اشارات و منبهات تالیف شیخ ابوعلی سینا (رح) را به دری ترجمه کرد و به پوهنتون تاشکند تقدیم کرد و از آن پوهنتون مستحق جائزه این سینا شناخته شد که وسعت معلومات او را در فلسفه طبیعتیات والهیات به اثبات می رساند مدتی در عین حال سرپرستی و ریاست شورای علماء و روحانیون افغانستان را نیز وارسی میکرند بعداً به توجه دولت ریاست شوراء علماء به تشكیل جدگانه مربوطه به ریاست شورای وزیران منظور گردید و دوکتور صاحب به حیث رئیس آن اداره مستقل مقرر شدند و به ریاست شئون اسلامی مولوی عبدالولی حجت که یکی از شاگردان دوکتور صاحب اند، مقرر شد.

بالاخره دوکتور صاحب به نسبت مریضی که عاید حالت بود نوان جسمی اش ضعیف و ضعیف شده و با وجود مریضی و علالت مزاج کتاب «خطر جنگ ذروی» را بمناسبت دومین کنفرانس عمومی شورای اعلماء و روحانیون تحریر و به نشر میرساند. در سال ۱۳۶۳

«سیره مختصر حضرت محمد صلی الله علیہ وسلم» را بنامی آنحضرت صلی الله علیہ وسلم تألیف نموده که در سالگرد میلاد النبی صلی الله علیہ وسلم سال ۱۳۶۳ هـ، توزیع گردید. اخیرا در حوت ۶۳ برای دوکتور صاحب مریضی قلبی نیز عاید گردید که در شفاخانه نظامی چهارصد بستر - کابل بستری شد.

با وجود صرف مساعی جمیله دوکتوران مؤظف و توجه مقامات عالیه دولت متبوعه جمهوری افغانستان داعی اجل را لبیک گفته جان را به جان آفرین سپرند.
«انا الله و انا اليه راجعون»

مراسم تشییع جنازه مرحومی با توجه مقامات صالحه دولت و صدر محترم هیئت رئیسه دولت بکمال اعزاز آغاز و انجام گردید. جنازه شان با اعزاز تمام در مسجد جامع پل خشتی ادا گردید و در جوار مرقد حضرت تمیم انصار (رح) مطابق وصیت خودش در مقبره مشهور و عام شهر کابل بنام شهداً صالحین تدفین شدند.

در تشییع جنازه مرحومی عده کثیری و جمع غیری از اقارب، احباً و علاقه مندان مرحوم و امران بزرگ دولتی و کارمندان رسمی حضور داشتند. بالای مرقد مبارک او نخست جناب شیخ القرآن افغانستان قاری الحاج محمد عمر خان امام ارج گ جمهوری سوره قرآن پاک را تلاوت نمودند. بعدا مولوی محمد سالم علمی به نماینده گی از جبهه ملی پدر وطن که جناب دوکتور صاحب یکی از معاونین ریاست جبهه ملی بودند خطابه مفصل ایراد کردند. به تعقیب آن مولوی عبدالولی حجت رئیس شؤون اسلامی دولت افغانستان در اطراف شخصیت علمی دوکتور صاحب خطاب و ایراد فرمودند و وفات او را یک ضایعه علمی در حلقه روحانیون نه تنها در افغانستان بلکه در منطقه خواندند. مرحومی با داشتن افکار پیشرو و استحکام رابطه دیانت و مدنیت، حب وطن و سعادت خواه اهل وطن مانند آیت الله مرحوم سید محمود تالقانی ایرانی تشخیص کردند و بعد سوانح مرحومی خوانده شد. فاتحه و دعاء خوانی در حق مرحومی برای دوم روز در مسجد جامع شیرپور گرفته شد. در روز دوم در هیئت قبول فاتحه به روح مبارک ایشان معاون ریاست شورا مرکزی از جبهه ملی شاغلی بارق شفیعی، آقای مولوی حجت به نماینده گی از شؤون اسلامی و معاونین شورا علماء و روحانیون به نماینده گی از ریاست شورای علماء و روحانیون و نیز فرزندان ارجمند از جمله امین الدین سعیدی (پشتون سعیدی) و نجم الدین سعیدی و محترم جنرال متقادع عبدالقهار خان ماماپیش و محترم مولوی نقیب الله سابق رئیس محکمه ولایت بادغیس و برادران دیگر ش اشتراک داشتند.

در روز دوم فاتحه (حوت ۱۳۶۳) بعد از اینکه مجلس فاتحه خوانی انجام یافت بندۀ جرئت اخلاقی نمودم بپاس لطف دوکتور مرحوم که با من داشتند نسیمات مخلصانه و صادقانه او را که در خدمتگذاری خصوصاً در امور دینی به اهل وطن عزیز داشتند و در صحن صحبت های علمی که گاه از بسا اسرار دقیق در مسایل غایضه از علوم مختلفه اظهار اتی میکردند و به همین منظور خدمت در امور اجتماعی و دینی اینجانب به اثر جاذبه روحانی و فضیلت علمی خویش و ادار تا به صفت معاون اقلأ برای مدت یکسال همراه او در ریاست شورای علماء و روحانیون کار بکنم، لازم دانستم سخن چند مختصراً به حضار محترم بیان

نمایم. لهذا به زوات محترم بارق شفیعی صاحب و معاونان شورا علماء و اعضاء مسلکی آن اقارب مرحومی خطاب نموده بعد از استیزان در حالیکه جمعیت بزرگی از علاقه مندان فاتحه کنند گان استاده بودند گفتم حضار محترم من جناب دوکتور صاحب را عمیقاً معرفت داشتم دوکتور صاحب شخصیت جامع الکمالاتی بود و مردم جهان سابق تا حال به دو دسته تقسیم شده اند برخی از هدایات و نصائح حضرات انبیاء عظام پیروی میکنند و برخی دیگر از افکار طبقه فلاسفه - از نگاه فلسفه انسان در آخرین مرحله تکاملی جسم طبعی موقعیت دارد و در بدو آفرینش خود دارندۀ عقل در مرتبه هیولایی شده بعداً به تدریج به قوه مرتبه عقل عدم بالملکه (تحصیل مجمل به استفاده از علوم می رسد و کسیکه به مرحله نهائی این مرتبه عقلی بررس او را صاحب قوه قدسیه می نامند که اکثر حقایق اشیاء نیز در او معلوم و مشعر بالفعل می باشد).

دوکتور صاحب در نظر من صاحب قوه قدسیه بود او از نفس خویش برآمده و گذشته بود. دائماً در فکر حصول سعادت و آرامی برای کافه بشر بود بالخصوص برای اهل اسلام و اهل وطن محبوب خود از تالیفات، آثار، تحلیل‌ها، صحبت‌ها و سایر نوشته‌های او چه در فلسفه چه در تصوف و چه در اجتماعیات به درجه وضوح ثابت است.

کتاب خطر جنگ وی را که تحریر کرده، اسباب موجبه دو جنگ عمومی گذشته را در آن بیان و از خطر جنگ سوم که در آن حتماً سلاح ذریعه مورد استفاده قرار خواهد گرفت و موجب تباہی نسل بشرمی گردد، علاقه شدید او را به حفظ بشریت ازین فاجعه بزرگ نشان میدهد. خداوند (ج) به فضل و کرم خود عالم انسان را از آن نجات بدده و از نگاه پیروی از اصول و فروع دین مقدس اسلام و در احکام فروع از مذهب حنفی رح شخص به مقام رسیده به نظر می رسد که داری نفس مطمئنه شده بودند مومنی که دارای نفس مطمئنه باشد او آغاز دوران زندگی مترقبی دیگری اوست که بفضل و مرحمت باری تعالی واجب الوجود که اهل تصوف و عرفان از ذات اقدس و به کلمه علت العلل تعبیر کرده اند، روح چنین مؤمن متوفی را لطفاً مخاطب می فرمایند :

« يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَةُ ارْجِعِ إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي » (يعنى انسان موقفه يعني انسان اگر چه مسلمان باشد گاهی دارندۀ نفس اماره (سرکش و طاغی) و گاهی دارندۀ نفس موقفه می باشد و اصیان نشیب و فراز تنازل و ترقی را دیده داری نفس لوماه می شود و آناییکه منعوم به نعمت هدایت حقه، حق تعالی کردند از حالت مطمئنه روبه ترقی شده به مقام راضیه و مرضئه می رسد.

من بشما به عرض میرسانم چندی قبل در همین مسجد جامع شیرپور از طرف ریاست محترم شئون اسلامی به بذل عاطفه مقامات صالحه دولت به علماء و خطبای مساجد جامع یک ماهه معاش طبق معمول همه ساله توزیع شد من هم درین جمله بودم بعد از فراغت به دفتر دکتور صاحب ریاست شورای علماء و روحانیون به غرض ملاقات او رفتم حينکه مشرف شدم دو به دو بودیم من هم مریضی گرده ها و غیره داشتم مدتی در شفاخانه

علی آباد بستری شده بودم از من پرسان کردند که صحت شما چطور است خوب هستید من گفتم دوره تکلیف دهنده مریضی ام سپری شده آثار ضعف آن باقی است اما کیفیتی عارض حال من است که به مریضی ام شدت هم پیدا کند متاثر نمی شوم ازاینکه بیشتر توجه بندۀ را به سفر آخرت به میان می آورند و خداوند(ج) توفیق اظهار توبه میدهد این زحمت مریضی به نعمت عرفانی برایم مبدل میگردد و از موت هیچ خوف در دلم وارد نه میگردد - چه صحابه بزرگ جلیل القدر دو عا می فرمودند:

«**الله حبيب الموت الى من بعلم ان سيدنا محمد اعبدك ورسولك بالحق**» جناب دوکتور صاحب فرمودند که مدت دوهفته می گذرد که من وقتی بعد از نماز خفتن به بستر می روم گرچه بزبان حرفی نه گوییم اما قلب روح من خداوند (ج) را بیاد می آوردم و خواهش سفر عقبی میکند اما وقتی از طرف صبح برای وظیفه رسمی به دفتر می ایم به مجرد آنکه درین چوکی بنشینم و کس در نزد من نباشد از بالای من نیز این سئوال حسن خاتمه حیات این جهان فانی با افتخارات عقائد حقه و نور ایمان کامل بر می آید.

به هر حال به رحم و کرم خداوند (ج) امیدوار هستیم و اینک مدت (15) روز پوره نگردیده
که دوکتور صاحب جان را به جان آفرین تسلیم نمودند.

شخصیتی بود دارنده عواطف و احساسات پشتری خیر خواه و مردم دوست صلح و امنیت پسند طرفدار سرسرخت در مقاومت و دفاع از عقائد حقه اسلامی چنانچه در موقعی که برای اخذ جایزه ابن سینا به تاشکند رفته بودند در یکی از جوائز رسمی آن جمهوریت اسلامی در باره شخصیت او ارقام داشته بودند که دوکتور سعید افغانی دارای احاطه وسیع علمی از اجتماعیات و اخلاقیات می باشد.

جناب شان طرفدار و معتقد دیانت اسلامی و اقتصادی برای رفاهیت جامعه هستند، در دفاع از حقایق و متعقدات اسلامی مقاومت سر سخت دارند در یکی از سفرهایی که از نزد اش پرسان کرده بود که به موجودیت متأفیک (ماوراء طبیعه) چه حاجت ضرورت است بمن مکاتبه بیان نمود که من در جواب آن شخص گفتم به اینکار از ماوراء الطبیعه چه حاجت و کدام ضرورت است نفر مذکور در حالت بہت وحیرت ماند و گفت من فکر میکرم که جواب سوال من دشوار است همچو تو عالم به من روشنی خواهد انداخت اما تو سوالی کردی که پاسخ آن برای من نیز بسیار مشکل و صعب است لهذا به عرض می رسانم که جناب دوکتور به زنده گی نوبتی و متفرقی آغاز کردند طوریکه حضرت مولانا جلال الدین بلخی (رحمه الله) فرماید:

از جمادی مردم و نامی شدم
مردم از حیوان و من آدم شدم
باردیگر سر برارم از بشر
جستنی دیگر کنم من سوی جو

جناب دوکتور صاحب آخرین تألیف خود را راجع به سیره حضرت سید نا محمد مصطفی
صلی الله علیه وسلم تحریر کرده و از رویه اخلاقی و طرز اداره حیات نبوی صلی الله علیه

وسلم به طور مختصر و جامع تفصیلاتی داده اند. نوات طرف علاقه این وظایف اجتماعی را به آن نصائح گرانبها مورد التفات کردن آرزو کرده است که خاصیت حمیزه او را یعنی مدنیت دینیت خواستن تمثیل و تبلیغ میکند. ما امید واریم به فیض و برکت پیروی از اخلاق عالی حضرت پیغمبر اسلام صحابه کرام، تابعین عظام، عرقا اهل الله (ج) که به مرحوم دوکتور صاحب ذوق و صمیمیت داشتند خداوند رؤوف و مهربان او را مورد غفران نموده ساکن بحبوحه جنان بگرداند. آمين يا رب العالمين.

در باره وفات آن شخصیت گرانمایه باید گفت «د دیرو پلار وه، دیر تری پاتی یتیمان» یعنی در اثر وفات حسرت ناک او همه علمای افضل دینی و همه دانشمندان اهل قلم از اهل وطن کسانیکه او را از نزدیک ملاقات کرده بودند و میشناختند از صدر محترم هیئت رئیسه دولت جمهوری افغانستان گرفته تا طبقه جوانان و خورдан متاثر و متأسف هستند ووفات شان را یک ضایعه بزرگ روحانیت وطن محسوب خوانده و گفته اند: باوجود آن من برای آنان، اقارب وسایر اعضای فامیل نجیب شان صبر، حوصله، استقامت و تسليت و اطمینان قلب از رب المنان استدعا دارم و خواهانم و در مطابقت به آیه مبارکه که «اَنَا لِلّهِ وَإِنَّمَا
الْيُوْقَنُ عَلَى الْحَرَقَةِ» درد فراق ظاهری اورا تداوی کرده باشند و به مژده آنها «إِنَّمَا يُوْقَنُ
الصَّابِرُونَ أَجْرُهُمْ بِغَيْرِ» از بارگاه رب الارباب متمنی باشند و به نعمت اتفاق و داشتن رویه احترام بزرگان و شفقت بر خوردان در ذات البین خودها مقدم باشند.
اونه مرده به حیات جاودید به زندگانی مترقبی آغاز کردند طوریکه مولنا جلال الدین بلخی (رح) در جای دیگر فرموده اند:

بر امید راه بالا در قیام
لب فروبندم از طعام شراب
دمبدم از آسمان می ایدم
ننگرم در عجز امیدم در طلب
این طلب در من گروگان خداست
جهد کنم تا این طلب افزودن شود
خلق گوید مردان مسکین فلان
گرتن من طاق و تنها خفته است
می زندجان در جهان آبگون
چون نخواهد زیست جان بی این بدن
گر نخواهد بی بدن جان تو زیست
آن خدای خوب کارو برد ببار
ای مسلمان انتظار الا انتظار
چون جناب دوکتور صاحب از علمای
چنین گفتار روان قبول باید کرد:

می شود نور تجلی اخدا دانه ها
آشنای توام وغیره تو بیگانه ما
گویم آن ذات که ربوده است دل دیوان ما
آفرین باد برین همت مردانه ما

مرغ باع ملکوتیم درین دیر خراب
با احد در لحد سنگ بگویم ای دوست
گر نکیراید و پرسد بگو که رب تو کیست
شکر الله که نمردیم ورسیدیم به دوست

در آخر دعوا قرآنی میکنم «ربنا اغفرلنا ولا خواننا الذين سبقونا با يمان وتجعل فى قلوبنا
غيرالذين آمنوا ربنا انك رؤف الرحيم - ربنا آتنا فى الدنيا حسنة و قنا عذًا بالنار- الهم
اغفو ارحمه واسبق شراه واجعل الجنه مسواه آمين يارب العالمين

ال حاج مولوى محمد هاشم كامه وال

آثار و تأليفات

مولانا دوكتور محمد سعيد
(سعید افغانی)



نوشته: الحاج مولوی غلام سرور منظور!

- 1- نابغه الشرق السيد جما الدين الافغاني، محل نشر قاهره، زبان عربي، نشر شده،
- 2-شيخ الاسلام عبدالله الا نصارى الheroی، محل نشر قاهره، زبان عربي، نشر شده،
- 3- سيد جمال الدين افغانی، مرجع نشر اطلاعات وكلتوري افغانستان، زبان پشتو، نشر شده،
- 4 - توضیح و تحلیل مواضع مهم کتاب الا شارات والتنبهات این سینا و تعلیقات شخصی او.
- 5 - تفسیر منتخبات آیات بزبان دری، که از طرف وزارت معارف برای شاگردان صنوف یازده مورد استفاده قرار میگیرد.
- 6- تفسیر منتخبات، آیات بزبان پشتو، که برای شاگردان از طرف وزارت معارف طبع و نشر شده.
- 7 - تاریخ کلتور اسلام، بزبان دری از طرف پولی تخنیک کابل برای محصلین گسترن، طبع و نشر گردیده.
- 8 - مختصر تاریخ افغانستان، از طرف پولی تخنیک کابل، چاپ و توزیع گردیده.
- 9 - روان شناسی از طرف دار المعلمین عالی چاپ به محصلین توزیع گردیده.
- 10 - (فقه اسلامی) از طرف دار المعلمین عالی گسترن و به محصلین توزیع گردیده.
- 11 - رساله (صلح و آرامش از نظر اسلام) به زبان دری در سال 1361 از طرف جبهه ملی پدر وطن و نشر گردیده.
- 12 - رساله (پلاره وطنه ملی جبهه او یا دلتہ دتولنیز وستونزو دحل لپاره) بزبان پشتو در سال 1362 هـ از طرف جبهه ملی پدر وطن طبع و نشر گردیده.
- 13 - کتاب خطر جنگ هستوی، به زبان دری سال 1362 هـ ش بمناسبت کنفرانس علماء و روحانیون طبع و نشر شده.
- 14 - رساله (محمد ص) رهبر دید گاه اسلام به زبان دری در 1362 هـ ش بمناسبت

کنفرانس علماء و روحانیون طبع و نشر شده.

15 - رساله (محمد ص - رهبر بزرگ اسلام) بزبان دری در سال 1362 ه، ش. طبع و نشر گردیده.

16 - مقالات متعدد دوکتور سعید افغانی، در حدود هزار مقاله در جرائد و مجلات افغانستان طبع و نشر گردیده.

مرحوم مولانا دوکتور سعید افغانی مبلغ راه صلح و آرامش ملی در ج.ا بود و به این ارتباط در مارش ها میتگ ها، محافل و مجالس در داخل کشور بیانیه های شفاهی و تحریری را ایراد نموده است او در کنفرانس ها سیمینار ها و سمپوزیم های ملی و بین المللی اشتراک ورزیده و بیانیه هایی را ایراد نموده است.

به اساس فرموده خداوند متعال کل نفس ذائقه الموت او داعی اجل رالبیک گفته است ولی کارنامه های اوزنده است علماء، روحانیون مشایخ و همه مسلمانان مصلح و دیانت شعار کشور بالای شخصیت او افتخار مینمایند.

ال حاج مولوی غلام سرور منظور

دمرحوم مولانا «سعید افغانی» له لیکنو څخه څو انتخابی مقالی

داسلام په رنګي دندو پېژندل:

داسلام دنټول بشر دپاره آسماني آخری مکمل قانون دی. دوظایفو دمباډیو د فارمول دمثبت سوچه او سپیڅلي حرکت نه او ورباندي باور او د فرصت سره برابر پري جدي عمل کول دي.

ګرانو لوستونکو داکومه داسي دعوي نه ده چي صرف په خوش بیني اتكاء ولري بلکه ددي دعوي تصدق د آسماني او Ҳمکي اديانو او قوانينو دمقايسي او مقارني څخه ورسته دعقل او تدبیر خاوندان بنه کولی شي ...

په اسلام کښي اوامر، نواهي، حلال، حرام، به او بد خلکو د طبعي آزادی تمایل په اساس بنا او د اخلاص، ميني، محبت او اجتماعي عدالت راز لري.

«علامه اقبال وايي»

گړهان داند حرامش را حرام X تا قیامت پخته ماند این نظام

باید منصفانه قضاوته وشي منصفانه قضاوته وشي چه دخلکو در وابطو دمحکمو او مطمئن ژوند د برابرولو د پاره اسلامي اخلاق، صلحه رحم او عاطفه او بى الايشه مرستي ترکومي اندازې پوري حیاتي که قيمت او ارزښت لري.

پدي اساس د اسلام مقدس دين وروسته لدی څخه دوظایفو معقول متین او طبيعي فورمولونو بي خلکو ته وضع کري او بنو ملي دي: دخلکو مکلفيت او په خپلو فردی او اجتماعي وظایفو باندي عمل دهر چا د توان او قدرت سره برابر اعلان کري دي لکه چه الله (ج) فرمائي:
«لايکلـف الله نفـساً الاوسعـها» يعني الله پاك څوك په کوم کار مأمور کري نه دي مګر دهغه د وسي او طاقت په اندازه او په دي آيه مباركه کي: «ليس الانسان الاما سعى» يعني انسان لره د ده د سعي د اندازې څخه زيات اجر او مزد نشه. په دي اساس د خلکو دمکلفولو څخه وروسته باید کار او عمل او موقفت د نظر لاندي ونیول شي، او دخلکو مکافاتونه د کارونو دانجامولو په توازن د نظر او تطبيق لاندي شي.

البه دکار په کيدو او نه کيدو کښي د مکافات او مجازات تطبيقول باید پير دقیق وي ځکه چي له همدغه حایه د اجتماعي بنست دتقویه ګيدو او یا نږيدو مواد برابريري.

مونږ داسلام په مقدس دين کښي ګورو چه انسان په پوره تائید دعمل او کار په خوا دعوت شوي لکه چه الله پاك فرمائي:

«اعملوا فسیری الله عملکم ورسوله والمؤمنون» کار او عمل وکړئ خدای پاك پېغمبر صلی الله عليه وسلم او ايمان داره خلک د تاسو کارونه ګوري. الله تعالى بیا فرمایي:

«الانضياع اجر من احسن عملا» داونده ده چي فرمائي:- مونږ د بنوکارونو دکونکو اجر او مزد نه ضایع کوو.

اسلام د جائز عيش او د پاکي روزي د لاس ته را ورو طرفداري کوي او مؤيد يي دی.

الله پاک خپل پيغمبر صلى الله عليه وسلم ته فرمائي: «**قَلْ مِنْ حَرَمٍ زَيْنَةُ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعَبَادَهُ وَالطَّيَّبَاتِ مِنَ الرَّزْقِ**» ترجمه: ته ووايه ورته چه دا پاک رزقونه خوراکي مواد او د دنيا د بنايسته او زينتى شيانو خخه روا او جائز استفاده چا په خلکو باندي حرامه او بنده کري ده. يعني د اسلام په دين کبني د پاکي روزي د لاس ته را ورو لو د جائز عيش او نوش او بنايسته شيانو خخه جائز نه استفاده منع نه ده او نه د چا لاس او وسائل له دي خخه بند شوي دي چه خپل حياتي شيان لاس ته راولي.

لکه چي فرمائي .. «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًّا» دننيا د پاره داسي قوي او پاچه کارونه کوه لکه چه د تل د پاره ژوند کوي او د آخرت او عاقبو خيال دومره قوي ساته لکه چه سبا مری او د عاقبو سره مخامخ کيري.

حضرت محمد صلى الله عليه وسلم په دي روحي فرمائي. «که رسی واخلي لرگي وکړي او رائي وري او خرڅي کري اوله دي لياري خخه روزي په لاس راوري دا درته له دي خخه بنه ده چه سوال او ګدائی وکړي، خوک خه درکري او که نه.»

فرمائي خوک فرمائي : «الْيَدُ الْعَلِيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ اسْفَلِي» پاسي لاس چه چاته خه ورکوي د لاندي لاس خخه کوم چه خيرات درباندي اخلي بهتر دي. په بل ځاي کبني فرمائي «المؤمن القوي خيرٌ مِنَ الْمُؤْمِنِ الْمُضْعِيفِ» قوي مؤمن له ضعيف مؤمن خخه يعني کاري مسلمان دېيکاره مسلمان خخه بنه دي.

حضرت عمر فاروق (رض) فرمائي: «باید یو د تاسو هم دروزی د پیدا کولو خخه غافل اوبي پروا نشي، حال دا چه بي کاره خلک په دي پوهيري چه د آسمانه خوچاته سره اوسيپن زرنه اوري»

مونږ ګورو چه مسلمانانو په حساب الجبراو هندسه کبني پېر پرمخ تک وکړه او خوارزمي په مسلمانانو کبني هغه خوک دي چه دالجبر فارمولونه يي اختراع کرل ، او لاتين ته ترجمه شو اود اروپا په پوهنتونو کبني ترشیپارسم قرنه پوری ور خخه استفادي کيدلي چه تراوسه لاد الجبر فارمولونو په الجبر ياديرو.

وروسته بيا دغه کتاب تول او ياخه برخي په مختلفو ژبو ترجمه شو. مسلمانانو دالجبر فارمولو نه تحليلى هندسي د پاره اساس و ګرځول چه ترنه ورڅه استفادي کيري. رائئ تاسو د «ابن الهشيم» د هندسي په بحثونو کبني مطالعه وکړي. چه دي خنګه مکعبې معادلي په مخروطي توقو مبنځ ته راولي. اود مساحه په حقله دده ابتکارات خومره ارزښ لري.

دمامون خليفه په عصر کبني د طول البلد درجي و بنو دلي د بطيموس خطاوي اصلاح کري و ديری رصدخاني جوري او مجهزې شوي او د ارتفاع مقايس مبنځ ته راغلي او اسطرلاب جور شو ...

دستورو او نور ته په خوا توجه د آبی العباس الفرغانی د مد خل د کتاب خخه و روسته پیل شوه. ددغه کتاب په کال (1235 هـ. لمزیر) کېنى یو خاшибیلى په لاتین ژبى ترجمه کرو او د ابی ریحان البیرونی مساعی دستورو د معلوماتو په حقله د ستایش وردی. خوارزمی زیج او تقویم البلدان په واسطی حیرانیدونکی ابتکارات وکړل.

دطب او دواء جورولو په حقله کي د ابن سينا د (القانون) کتاب او درازی تأليفات ترنه پوری دننيا دخلکو توجه جله کري ده او په اروپا کېنى نن هم دابن سينا (القانون) کتاب ته دطب چينه ويل کيري. او هله زيات د پنځسو وارو څخه چاپ شوی او په مختلفو ژبو اوښتی دی. په کيماء کېنى دجا برجهان اور ازی اكتشافات ترنه پوری د وظيفه پیژند لو ثبوت ورکوي چي د فخر وردی.

خلاصه دا چه داسلام د روبسانه زروکار ونه او اختراعات او اكتشافات زښت زيات او د واقعي مسلمانانو حرکت او پرمخ تگ لکه چه رنیان فرانسوی مشهور فیلسوف وايی دعلم مدنیت او ادب حرکت او پرمخ تگ پوره شپږ قرنه دمسلمانا نو په لاس کي وه او په دی برخه کي مسلمانان داروپا استاذان دی . «سعید افغانی»

حس خير

حس خير باید در جوامع ترزیق و تقویه شود. پیوند اجتماعی به اساس تأمین منفعت بミان میاید، اما اغلب خواهان تأمین منفعت ایم.

ولی؛ هرگاه تأمین منفعت به تنوع خود به حس خير خواهی گوناگون، سره و کره نه ګردد با انحرافاتی موواجه میگردد. بنآ در انجام هر کار و هم در شروع آن باید حس خير در نظر باشد.

حس خير شوق و ذوق را تحریک مینماید و موجب فیض و برکت میگردد ، هسته خير در افکار صالح نشو ونمای خوبی دارد و حتی باندازه ئی میرسد که بعضی رجال بزرگ خير خواه ، خير را تنها برای تأمین خير میخواهند و از انجام اعمال خير به دیگران ، چنان لذتی میبرند مثل انکه بخوش خير رسیده باشد .

جوامعیکه در آن احساس خير ضعیف میگردد به بدختی های گوناگون موواجه میگرددن ، که مبدا همه تباہی های اجتماعی از ضعف احساس خير شروع میشود و در صورت عدم جلوگیری معقول از آن منجر به خطرات مدهشی ، چون انحلال جامعه میگردد. بنآ وظیفه مردم و خاصتاً رهبران اجتماعی اند که در تولید احساس خير مساعی جمیله را بخرج دهند و احساس تأمین منافع را ولو به هرقسمیکه باشد بی جلوه نه گذارند . اگر احساس خير باشد ، تعاون و تساند صورت میگیرد و اگر تعاون و تساند دوامداری را داشته باشیم ، باید عصیره و به شیوه احساس خير مختلط گشته و از آن برایش آب و رنگ داده شود .

تطهیر نیت و پاکی فکر و اندیشه که برای بیان آمدن آن رجال بزرگ اجتماعی کار کرده اند بمنظور آن است تا احساس خير بیان آید ، پس باید اولاً تطهیر فکر و بعد از آن تعمیر فکر و یا بهتر بگوییم :

اولاً احساس خیر و بعد از آن انجام اعمال خیر !

احساس خیر انسان را اصلاح ساخته ، تحکم و تسلط بر نفس را بمبیان میاورد .

تعلیم و تربیه باید به اساس منظورو مدنظر مواد و میتوود های احساس خیر شروع و در هر رشتہ آن باید به اندازه ضرورت از احساس خیر کار گرفته شود و در هر رشتہ آن باید به اندازه ضرورت از احساس خیر کار گرفته شود .

تولید احساس خیر باید در انسان از مرحله طفولیت شروع گردد و در مورد استعمال اندازه آن باید رجال بزرگ و استادان تولید احساس خیر را سنجش و دقت نمایند .

باید کوشش شود که شر به نظر مردم خیر جلوه نه کند و از آن دسائیس بر حذرباشیم ، عده ئی از مفسدین و تباہ کاران اجتماعی احساس شر را بنام احساس خیر تلقین میکنند ، خیر را باید در مقیاس و معیار تامین منفعت عامه سنجش نمائیم و در عمل و پرکتیک نشان داده شود که چطور میتوانیم منفعت عامه را تامین نمائیم .

بسیار باید دقت نمود که اعمال خیریه کدام اند ؟

بسیار باید سنجید که خیر چطور بمبیان آمده میتواند ؟

بسیار باید غور کرد تا در دقت و سنجش خویش راجع به تعین خیر و استعمال اندازه آن خطای نشویم !

هر چیز بخود حد و اندازه دارد که به این اساس اعتدال هر چیز اندازه خوب را نشان میدهد و به آن خیر باید گفته شود و افراط و تفریط در آن بد و به آن شر باید گفته شود .

موسسات خیریه وظایف بس سترگی دارند تا در انجام اعمال خیریه علماء و عملا مساعی جملیه را بخراج دهند و به آن عوامل جدا متوجه که موجبات تباہی و بدختی واقع میگردد .

برای بمبیان آمدن صلح و آرامش در منطقه و جهان اشد ضرورت به تقویه موسسات خیریه می باشد بنا ! موسسات خیریه در دنیا به هر نامی که باشد اعمال شرافتمدانه انسانی را انجام مینمایند و سرمایه مشترک همه بشر را تشکیل میدهند ، پس همه باید به آن امیدواری داشته و در انکشاف آن باید صادقانه کوشید .

نامهای بد ، بد و کارهای بد ، بد اند !

نامهای خوب و کارهای خوب ، خوب اند !

از این جهت است که نامهای خیر ، تامین منفعت عامه ، صلح ، سلم ، تعقل ، تدبیر ، منطق ، استدلال ، حسن تفاهم ، تعاون ، تساوند و دست یاری ضعیفان و مصیبت زده گان را مردمان جهان دوست داشته و به آن امیدواری دارند .

بنام خیر باید از خیر دفاع نمود ؛ و مردم را با انجام اعمال خیر تشویق کرد و خاصتاً به رنج رسیدگان یاری و مساعدت نمود .

اگر خیر را دوست و گرامی داشته باشیم باید با آناییکه در راه خیر میکوشند بمال و جان مساعدت نمائیم و با آنها موقع دهیم که در راه خیر پروگرام

های خویش را بهتر و خوبتر تطبیق سازند تا موسسات خیریه روز به روز بهتر و بهتر تر سرو صورت گرفته، احساس خیر با اندازه کفايت و ضرورت انتشار یابد. از برکت و مسامعی جمیله انبیا، رسول، فلاسفه، رهبران و زعماء بزرگ، علماء و دانشمندان احساس خیر تولید و انتشار یافته و به برکت تولید انکشاف احساس خیر، اجتماعات و مدنیت های پشرفته و روبه انکشاف صورت و موجودیت داشته، اختراعات و اکتشافات مدنی و اجتماعی بمیان آمده و میابند.

تا وقتیکه احساس خیر موجود باشد و در تطبیق و تعامل آن کوشش دوامدار و منطقی صورت گیرد، امکان بقا و دوام جهان دیده میشود و در صورتیکه فقدان مواد خیر؛ همه جهان حتماً به تباہی و قیامت مواجه میگردد.

بنآ وظیفه اساسی همه صلح خواهان جهان است:

تا در مورد تقویه احساس خیر و تعامل کردار خیر، اهتمام و عنایت داشته باشند.

دکتر محمد سعید «سعید افغانی»

سال ۱۳۵۲ هجری شمسی - کابل

د عشق او محبت دین:

داسلام مقدس دین د عشق، محبت او جذبی دین دی. ددغه دین اساس او بنسټ یو تربله دمینی، گذاری، مرستی، تعاون، بنواخلاقو، عفوی، صلی، صداقت او اخلاص په مبادیو دررول شوي دي.

خنگه چه داسلام اساسی ليار بنوونی دعمومي گټو د تأمین راز لري همدا شان حقیقت دا دی چه جذبی پیمانی داسلام په اوله دوره کبني حضرت محمد صلی الله عليه وسلم او دده ربنتینو ملګرو د خلکو په زړونو کبني د عشق او محبت جذبات او د اخلاقی مبادیو د عملی تقوی درسونه واچول. کوم وخت چه سری د سیرت، احادیثو او اسلامی تاریخ او د شرعی علومو اصلی تعلیمات د مطالعی او دقت لاندی و نیسي دا وخت سری پوهیږي چه داسلام لمړنيو او رهبرانو څه غوبښل.

آرمان آرمان ډير تأسف دی چه د اسلام دغه رنګه لارښونی د زمانی په مسیر او تحول کبني د یو رنګه داسی عناصر و د لوبو کولو مورد وکرخېدلی کوم چه د هغوي سره واقعاً هیڅ د اسلام د مقدس دین بوی هم نه احساس کیده.

پلیدو عناصر و د اسلام په نامه د لعنت نه ډک کارونه وکړل. دوی د اسلام څخه ناوره استفادی وکړي او د اسلام په نامه یې په زرگونه معصوم انسانان تیر ويستل. دغو عناصرو په داسی حال کبني چه قسم په خدای یې له ظاهري دلسوzi او غدر بل نور هیڅ د اسلام څخه کوم معلومات نه درلودل، د خلکو پام او توجه یې ځانله واروله او په هيلو او پلموی د مسلمانانو د مدنیت قافله په قرنو بېرته وغورڅوله. دغو په پایله کې دی ته ورسیده چه ډير کسان د اسلام په دین باندی بد ګمانه شول. او که موږ واقعاً د اسلام اساسی لیارښونی او د اسلام د واقعي رهبرانو سلوک په پوره عمیق ډول د مطالعی لاندی و نیسو هغه وخت په دی پوهیزو چه د اسلام مقدس دین تر کومی اندازی د بشر د دائمی سعادت

متکفل او تر کومه حده دغه مقدس دین د عشق محبت اخلاص او جذبی دین دی چه د واقعی عمل په صورت کبني د روغى او سلامتىا ضامن او انسانى روابط نقويه کوي.

فساد او تباھي:

«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (الروم 41) (انسان د خپله لاسه په براو بحر کبني د فساد او تباھي موجبات برابر کري دي. حقیقت دا دی چي انسان که له عدالت، صلی، عاطفي او متانت څخه کار اخيستي وي داسي به نه وو شوی لکه چي وشول او داسي به نه وای لکه چي دي. په پير تأسف باید ووایم چي د انسان د فسادونو او تباھيو داستان پير اوږدوالي لري.

څه فساد او تباھي نه وه چه ونه شوه.
هغه. دا، دا ... او داسي نور په زرهاو دا.

خومره چي تجربې او بیا بیا تجارب زیاتیرې هغومره بیاهم عبرت لبر او لغزش روان او جاري دی او هسي تشن په خولي وچ ندامت او پښيماني فایده نه کوي.
د ساده خلکو ملامتي سادگي ده او د پوهه خلکو ملامتی تعنت او کج روی ده.
د صالحو انسانانو شمار محدود او لبر دی او د فاسدو خلکو طغيان بي پایانه بنکاري.

د حق او باطل مجادله روانه ده. کله حق پر باطل او کله باطل پر حق غالبيري. ربنتیامن چي حق غالبيري خو که د حق په لياره باندي تګ بنه معقول تنظيم شي شايد هغه وخت به بنه تنظيم وي چي قرآن کريم فرمائي: (قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهقا)
ووايې: اي محمده! حق راغي باطل محو شو، باطل ضرور محوه کيدونکي دی.

مونږ يو دقیق حساب او د اوضاعو تحلیل ته ارتيا او ضرورت لرو تر څو وکرای شو چي د فساد او تباھي اصلی موجبات معلوم کړو چي څه او د اصلاحاتو لپاره په دی پوره غور وکړو چي اساسی لياره کومه او خنګه ده. په دی توګه او له دی وروسته تاکلی او تکولي پروګرام په کار دی چي باید تطبيق شي او په متداوم ډول تتفیح او تعقیب شي.

په نظری حساب ټول پوهان په دی متفق دی چي د انسان پېژندني کار د اجتماع جوړولو لپاره نهایت ضروري دی خو متأسفانه چي په بيرته پاتي هیوادو کي دغه کار پير ګند دی او په تحملی ډول ګندېري. په دی حساب د بيرته پاتي هیوادو او ممالکو اساسی وظيفه او نده داده چي د دغه شاني ګندېو پوره چاره وکړي تر څو د نورو په زړه پوري اصلاحاتو لياره هواره شي.

شك نشه چي عمومي صحنه د اصلاحاتو په خوازياته شوی ده خو د اصلاحاتو د تشخيص لپاره زمونږ په روان متقاضن ذهنیت کبني سليم تفاهم ته زښت زيات ضرورت احساس کېږي چي باید د پوهې او قدرت خاوندان په دغه خوا جدي پام او توجه واروی او د خلکو تر مبنځ د بنه تفاهم شکيدلي تارونه او مزې په عاملانه ډول بيرته ونړي او یا د ترلو مزو، د تقوئي لپاره په پوره حوصلۍ موثر کار، زمينه سازی او خدمت ترسره کېږي.

اسلام څه شی دی؟

اسلام او نوي علوم په یو حدیث کښی د رسول الله صلی الله علیه وسلم څخه روایت دی:
 «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلَّمَ النَّاسُ مَنْ لَسَانَهُ وَيَدَهُ» په بل حدیث کی راغلی دی: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلَّمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لَسَانِهِ وَيَدِهِ» په دی اساس

مسلمان هغه دی چه په چا باندي په وینا او عمل کی تجاوز نه کوي.
 مسلمان چاته بد نه وايي تجاوز نه کوي او ګناه بده ګني.

مسلمان په عدل، صلی او نیکو کاری باندي امر کول او د تولو ناوره رویو او بی حیایی
 څخه اجتناب او خلک منع کوي. د نحل په سوره، ۹۰ آیت کښی راغلی دی: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ
 بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَا عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ
 يَعِظُكُمْ لَعْنَكُمْ تَذَكَّرُونَ» الله پاک په عدالت او له دو ستانو سره مرستی پر متعلق امر کوي او بی حایی ،
 ناوره کارونو او تجاوز څخه ممانعت کوي. دا نصحت د دی لپاره کوي چه خلک پند واخلي
 همدا ډول پوه و پاک مسلمان کار او عمل کوي مکر خپل تول کارونه الله پاک ته د عواقبو
 او نتایجو په لحاظ سپاري.

الله پاک (د الزمر په سوره، ۵۴ آیت) کښی فرمایي «وَ أَنِيبُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَ أَسْلِمُوا لَهُ » او د
 ال عمران په سوره، ۲۰ آیت کښی فرمایي «فَلْمَنِعْتُمْ وَجْهِيَ لِلَّهِ» خپل پروردگار ته
 رجوع وکړل حضرت محمد صلی الله علیه وسلم وویل پاک الله نه انقياد وکړئ.
 او هغه ته می خپل هرڅه سپارلي دی ابن هشام په سیرت کی جعفر بن ابی طالب د اسلام او
 جاهليت په مبنځ کې فرق واضح کړای دی. په خپله هغه وینا کښی چه نجاشي ته یې
 دهجرت په وخت کښي کړاي، دی وايي: زموږ قوم به د جاهليت په وخت کښي د بتانو
 عبادت کاوه، شراب به مو خورل، بې حیایي ګاني به مو کولي، د خپلو او دوستانو لحاظ به
 مونه ساتي، د همسایه ګانو حقوق مو هير کړي وه او د قوت خلکو به د ضعيفانو مالونه
 خورل. مونږ په همدغه رنګه ناوره مرضونو تر هغه وقته مبتلا وو ترڅو چه مونږ ته الله
 پاک زموږ د جنس څخه پیغمبر راولیزه. دا پیغمبر چه مونږ یې په راستی او امانت او
 پاکی پیژنو دغه پاک او سو چه پیغمبر مونږ (الله پاک وحدانيت او عبادت ته وبلو دغه
 پیغمبر مونږ د کفر او بتانو د عبادت څخه لکه چه پلرونه موکول منع کړي یو مونږ ته د
 ریښتیا ویلو په اداء کولو امر کړاي او د ناروا کارونو او ویني تویولو نه مو رامنځ کوي او
 د بې حیایي، دروغ ویلو، د یتیم د مال له خورلو او په پاکو او دده سره هیڅ په عبادت کښي
 شريک نه مني. دی مونږ ته د لمانځه په اداء کولو، د ذکات په ورکولو او د روزی په
 نیولو امر کوي. مونږ د دغه پیغمبر تصدیق کوو او ایمان مو پری راوره.

اسلام او نوي علوم:

اسلام د ادب او د اخلاقو دین دی. خومره چه د اسلام د مقدس دین په اړه او متعلق د نویو
 علومو د انکشاف توجه او بنتی، هغومره دا حقیقت روښانه شوای دی، چه اسلام بنه د ادب او
 او اخلاقو او تربیي دین دی. په دغه مقدس دین کښی د تولو طبقاتو او اقتشارو حقوقو
 تأمین او محفوظ سائل شوي دي. دغه دین کې یو تربله د مقابل احترام ساتلو او بنه سکوک

د پاره دير پاخه او قوي اساسونه وجود لري. په دغه دين کبني د اقرباو سره د صلي او علاقي باره کي رمزونه شته او د دوستانو او آشنايانو سره د ميني په لياره د کيو اهدافو مبنج ته راوستلو د پاره په کبني قوي رازونه موجود دي. د اسلام مقدس دين د عمومي اوضاعو او د عامو خلکو سره د بنه ژوند کولو، قوي خيال ساتلای دی او د یو مکمل ادبی او اخلاقی ژوند د برابرولو لپاره په کبني پاخه اساسونه شته دي. داسي اساسونه، ادب او اخلاق چه د اسلام په مقدس دين کبني په نول کم او کيف سره د خلکو د خير او سعادت لپاره ليدل کيري. دا قوت په دغه برخه کي په بل هيچ کوم دين کبني په لاس نه رائي. د پلار او د مور د حقوقو لحاظ سائل د مشرانو احترام ، دلويانو قدر او تعظيم، ورور سره صله او عاطفه، د ملگرو سره صداقت، د همسایه گانو سره بنه سلوك او گذاره د عاجزانو سره مرسته او تعاون، د مصیبت او تکلیف په وخت لاس ورکول، د خوراک او خبناک نورو حیاتي مسایلو کبني اعتدال، عمومي حقوقو د تقویي لپاره خاص پام او توجه او داسي نورو اداب او اخلاق د اسلام په دين کي په نظر کي نیول شوي دي. دغه اصول او اساسات د اسلام مقدس دين کي هيچ کله ادبی او اخلاقی اعتبار له لاسه نشي ورکولاي. په اسلام کبني د نفرت، عداوت کيني او حسد تولي ريبني ايستل شوي دي او دين د محبت او همکاري د تأمینولو لپاره پوره توجه کري ده.

اسلام د کبر او غرور سره مجادله کري ده او له دغې لياري څخه غواړي چه خلک دو روړولی او برابری په فضا او ماحول کي ژوند وکري.

د اسلام په مقدس دين کي د عفوی او گذشت او د بیا بیا پیوندلو لپاره ليارښونی او زیاد تشويق وجود لري. د اسلام مقدس دين دی لياري څخه غواړي چي اجتماعي شيرازه باید قوي وسائله شي. په اسلام کبني د خبرو او وينا لپاره حدود معلوم شوي دي او د ژبې د اصلاح کولو لپاره پوره توجه او پام شوای دي.

د اسلام مقدس دين د علم او پوهنې لپاره عمومي پام او توجه اړولي ده او د عقل او دليل له لياري څخه غواړي چه خلک خپل ژوندون نه بنه ګته پورته کري او استفاده وکري. اسلام کوشش کرای دی چه د خلکو مدنی، اقتصادي، سیاسي ، ثقافتی، ادبی او اخلاقی ژوند په داسي پایو اتكاء ولري چه هغه د انسان اصلی د طبیعت او استعداد سره برابر او د عمومي مصالحو د تأمین لپاره مفید واقع شي.

اسلام د وهم، وسواس او بى مورده ګمانونو طرفدارنه دی او د پوره دقت پرلياره کي غواړي چه حقایق روښانه او د خلکو حیاتي مشکلات لري شي.

اسلام د عفت ، تقوی پاکي او نظافت طرفدار دی، غواړي چه د خلکو ژوند په ظاهر او باطن کي پاک او سوچه وي.

اسلام د إسراف او تجاوز طرفدارنه دی. غواړي چه خلک دی باید په هر څه کبني د اعتدال لحاظ قوي وساتي.

اسلام د غدر او خیانت سره مجادله کري ده، غواړي چي خلک دی یو تر بله د تکالیفو او مشقت موجب ونه گرئي. نو په دی اساس که خوک د اسلام مقدس دين تر پوره عميقی مطالعی لاندی راولی د ادب او اخلاقو کامل او مکمل دي او د هغه څخه په استفاده سره د

نننيو علومو په اساس د حقیقی او واقعی ژوند برابرولو لياره پوره ارزښت لري.
راخئ چه مونږ د اسلام د دین دادابو او اخلاقو څخه اول ځان پوره واقف کړو تر خو
وکړای شو دخان او د خلکو د سعادت په لياره کښي د بنو خدمتونو مصدر وکړو.
و من الله التوفيق

حساسي او مثالي هڅي او هيلۍ!

هير به مي نشي چې په خوب ويده وم د وطن او جهان د هڅو او هيلو سره آشنا نه وم. زما
سره يوازي د خپل ځان او د ډيو وروکي کور او فامييل د ژوند سوداوه. خو په ورو ورو
زما د ذهن او فکر د افق ساحه ارته شوه تر داسي اندازې چې او س خپل ځان راخخه ورک
شو. ځان په تولنه، جامعي او جهان کښي ګورم او په هیڅ شي بي د عمومي منفعت او
بنیګنو د تامين په مفکوري او حرکت نشم تسکینیدلای. باور وکړئ چې فکر، سودا، خیال
او هوس مي د خلکو د ژوند د جورېدو په پردو کښي چلېږي.
زه وروکي یم خو دنیا مي لویه او پوره ارته ده.

زه بیچاره یم خو همت مي د تولو بیچاره ګانو او ملت ته د چاري د پیدا کولو تکل لري.
زه د عمر په دي شبيو کښي هم دلته د نوي دنیا د جورېلو په کار کښي د ځوانانو سره اوږد
په اوږد قدم پورته کوم او انشاء الله زما د کار تولید د چا څخه لېږ نه دی.
زه د راتلونکي زيياتي رنا د راتلو په اميد د شور څخه ډکي هڅي او هيلۍ لرم او په دغو
هڅو او هيلو کښي د خپل موجوديت د سانتي خيال ساتم.

زه د مرګ څخه نه داريوم او نه د مرګ څخه دار زما په تصميم باندي منفي تأثير اچولاي
شي خود هغه مرګ څخه په ويره کښي یم چې زما د پاكو هيلو او هڅو په مخ کښي خند پیدا
کري او یا د وطن دېښنان موجوده په زره پوري فرصت له مینځه یوسي.
زه د ځان لپاره څه نه غوارم.

نو راخئ دا چې څه لرم هغه دی هم د ستاسو وي، راخئ ماته هیڅ مه راکوئ،
راخئ دا زما کنداو کچکول هم واخلي خو ما پريزدئ چې په پوره اعتماد او اطمینان د
ستاسو د بنیګنو د تأمیندو په لياره کښي قربان شم.
زه که قربان شوم په ما څلی هم مه دروئ او نه مي ياد کړئ، خو چې که زه د حق لياره

کښي څار شم دا به زما د زره د تسکين لپاره لور مقام او منزلت وي.

هير به مي نشي هغه وخت چې زه هڅو او هيلو وپارولم. زما دغه هڅي او هيلۍ د وطن د
آبادۍ او آرامي لپاره وي خو همدا چې په عمل او اقدام به مي لاس پوري کړ نو بیا به پتو
او بنکاره معلوم الحاله لاسونو زما په مقابل کي خندونه پیدا کړل او داسي ناروا تعبرونه به
بي مېنج ته راوستل چې سليم تعقل به ورڅخه کرکه کوله.

هغه وخت تر بېر وخته به ما د ځان سره ویلي چې دوى نه پوهيري او یا نه غواړي، خو
وروسته د بېري تجربې دا راته ثابته شوه چې نه غواړي او زمونږ واک که څه هم واک
وال بنکاريږي زمونږ په واک کښي نه دی. د پردي شاته څه داسي لاسونه کار کوي چې
په عاملانه ډول د نټل لپاره مونږ بدېخت ساتي. دوى زمونږ بازارونه د خپلو پخو مالونو

پلورنخی گرخوی او زمونبه خام مواد په ارزانه بیه لاس ته راولی.

هیر به می نشي چې په اتمي دوری کبني زه د شوراء د پارلمان لپاره خپلي حوزي خخه کاندید شوم، بيري هلي خلي او هخي مي وکري، هلته خلکو راسره بيره مرسته وکره، د رايوله پلوه پوره موفق وم خو دولتي قدرت پري نښودم چې شورا ته لارشم. یوه ورخ داسي وشوه چې په یوه غونده کبني والي صاحب وویلې:

زه ملامت نه یم ماته له پاسه خوا هدایت شوای دی چې ته په دي دوری کبني موفق نشي او پارلمان ته لار پيدا نه کري. علت دا چې ته بنکاره تنقید او پارونې کوي او د دولت د نقشو په مخ کبني خندونه پيداکوي. ما ورته وویلې د سنا له دي صراحت خخه منه او تشكر خو افسوس چې دولت ولی د خلکو د فریب او دوكۍ له پاره داسي بنکاره کري ده چې شورا ته د خلکو استاري او نمايندگان ورخې او ورخه ملي شورا او ملي پارلمان جورېږي.
سعید افغانی

د انبيا او رسولانو اهداف څه دي؟

اسلام او نوي علم!

انسان که څه هم ورته زيات علم او حکمت ورکړاي شي مګر بياهم د الله (ج) علم ته نشي رسيدلای بلکه همیش بي له دي چه خدای پاک یې پري پوه کري په بل څه نه پوهېږي. همدا وجه ده چه الله سبحانه و تعالى د خلکو د لياربنونې لپاره رسولان واستول ترڅو دوی ته هغه حکمت او پوهنه وبنېي چه دوی پري نه پوهېدل. الله(ج) د بقرې په سوره، ۱۵۱ آيت کبني فرمابي : «**كَمَا أَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولاً مِنْكُمْ يَأْتِيُهُمْ عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيْهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُهُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ** » (لکه خنګه مي چه په تاسو کبني رسولان ليولې دی همدارنګه دوی لوړي پر تاسو باندي زما آياتونه او تاسو د ناوريه اخلاقو څه پاكوي تاسو ته كتاب او حکمت دربنې او د هغه شيانو بنودنه درته کوي چه تاسو پري نه پوهېدل.)

او د ال عمران په سوره، ۱۶۴ آيت کبني فرمابي: «**لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولاً مِنْ أَنفُسِهِمْ يَأْتِيُهُمْ عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيْهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفِي ضلل مبين) (هر آئينه په مؤمنانو باندي الله(ج) احسان کري دی چه په دوی کبني یې د دوی د نوعي څه رسولان استولي دي، لوړي پر دوی باندي دده د احکامو آياتونه، د ناوريه زميمه اخلاقو څه یې پاكوي او د آسماني كتاب او حکمت لياره بنوونه ورته کوي. که څه هم دوی پرخوا پر بنکاره ګمراهی کي وو.)**

د آسماني اديانو پرله پسي راتله:

د ميتوولوجي او قيسو علم ثابتوي چه کوم هغه اسباب چه د هغو له مخي څه پخوانيو د ابو البشر او ابلیس عبادت کولو، په واقع کي دا د پخوانيو اديانو قيسو او خرافاتو ته رجوع کوي. دا علم وايی د کوم وخت څه چه انسان پيداشوای دی، دېر لړ ځنډ روسته اديان هم ورسره یوځای پيدا شوي دي. کله چه انسان احتجاج د نوي شي غوبښته وکره او پروردگار ورته یاد شو نو دا وخت الله پاک رسولان او انبياء واستول.

تاریخ مونږ ته بیانوی له کوم وخت څخه چه الله(ج) ادم پیداکړه، اديان هم له هغه وخت څخه پرله پسی راغلي او د وخت د احتیاجاتو سره برابر نازل شوي دي. خومره چه دغه اديان ګورئ د دغو ټولو آسماني اديانو هدف الله(ج) ته رجوع او د نیک عمل په خوا بلنه ده. الله(ج) د الانبیا په سوره، ۲۵ آیت کبني فرمایي: «**وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلَكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ**» (مونږ نه دي لیرولي په خواله تا څخه کوم پیغمبر مګر وحی ورنې شوی ده چه نشته بي الله(ج) پاک څخه بل د عبادته ور. نه دده لپاره عبادت وکړئ). الله(ج) فرمایي:

«إِذْ جَاءَتْهُمُ الرَّسُولُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهُ» (کافرون ۱۴) (کله چه د دوی تر په خوا او وروسته پیغمبران راغلي دي نو وویلی چه بي د الله پاک څخه د بل چا عبادت ونه کړئ).

د مؤمنین په سوره، ۳۲ آیت کبني فرمایي: «**فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهٌ غَيْرُهُ**» (بیامی دوی کبني د دوی د نوعی څخه پیغمبران ولیړل ترڅو ووایي د الله عبادة وکړئ او بي له د څخه بل الله نه لري.

دمرحوم مولانا دوکتور محمد سعید «سعید افغانی»
له ليکنو څخه څو غوره شوي مقالی ⑥
لمړی چاپ داسلامی شوونو او او قافو وزارت له خپرونو څخه
دچاپ شمیر: ۲۰۰۰
دچاپ ځای: داریانا مطبعه ، کابل افغانستان ۱۳۶۹ لیردیز لمريز کال

دو هم چاپ

د حق د لاري ټکنوري مرڪز

جرمني - د ۱۳۹۴ هجري شمسی کال د حوت - کې میاشت
۲۰۱۷ (زیرو دیز کال د فبروری میاشت)

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library